

<b>گروه: ب</b>				بسم‌تعالی	<b>امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۹۴</b>	مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه معاونت آموزش و امور حوزه‌ها اداره ارزشیابی و امتحانات
نحو ۴	موضوع:	۳	پایه:	<b>پاسخنامه مدارس شهرستان</b>		
۸	ساعت:	۹۴/۰۳/۱۹	تاریخ:			
<b>نام کتاب: مغنی الأديب، از حرف السین تا حرف لو</b>						
لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)						

### تستی

۱. در کدام مثال، «عن» در معنای استعلاء به کار رفته است؟ ج ۸-۱۲۷
  - ا. «عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصِجَّنَ نَادِمِينَ» □
  - ب. «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى» □
  - ج. «فَأَمَّا يُجَلُّ عَنْ نَفْسِهِ» ■
  - د. «وَمَا حُنُّ بِنَارِكِي أَهْتِنَاعِنَ قَوْلِكَ» □
۲. التحقیق أن الفاء فی نحو قوله تعالى: «...إِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» ....
  - ا. للسببية □
  - ب. للإستئناف □
  - ج. لعطف الفعل □
  - د. لعطف الجملة ■
۳. قد تكون «كذا» كلمة مركبة مكنيًا بها عن العدد و هذا القسم .... غالباً معطوفاً عليها. د ۱۵۶
  - ا. يجب نصب تمييزها و لا تستعمل □
  - ب. يجوز جرّ تمييزها بالإضافة و لا تستعمل □
  - ج. يجوز جرّ تمييزها بالإضافة و تستعمل □
  - د. يجب نصب تمييزها و تستعمل ■
۴. عند المصنف، إذا وقعت «كيف» الاستفهامية قبل ما يستغنى فهي .... في نحو «كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ». ب ۱۷۱
  - ا. حال □
  - ب. مفعول مطلق ■
  - ج. مبتداء □
  - د. مفعول به □

### تشریحی

\* تنفرد «سوف» عن السین بدخول اللام عليها و بأنها قد تفصل بالفعل الملغى. ۱۱۶

۱. دو ویژگی «سوف» را در ضمن مثال توضیح دهید.
۲. دخول لام بر «سوف» صحیح است، مثل «لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» برخلاف «سین» ۲. بین «سوف» و فعل آن، گاهی با فعلی که ملغی از عمل شده است فاصله ایجاد می‌شود، مثل: «و ما أدری و سوف إخال أدری أقوم آل حصن أم نساء» برخلاف «سین».

\* إذا قلت: «عسى أن يقوم زيد» احتمال نقصان عسى و تمامها و يكون الإضمار فى «يقوم» لا فى «عسى» اللهم إلاً أن تقدّر العاملين تنازعا «زيداً» فيحتمل الإضمار فى «عسى» على إعمال الثانى. ۱۲۲

۲. دو ترکیب برای مثال مذکور بنویسید. ب. مقصود از «اللهم إلاً ...» را توضیح دهید.
۱. عسى: از افعال ناقصه، زيد: اسم مؤخر، أن يقوم: خبر مقدم ۲. عسى: فعل تام، أن يقوم زيد: فاعل.
- ب. عبارت «اللهم ...» جواب این سؤال مقدر است که آیا نمی‌شود در فرض ناقصه بودن «عسى» ضمیر در خود «عسى» منظور گردد (مستتر) که جواب می‌دهد اگر فرض تنازع بکنیم و در باب تنازع هم مثل بصرى‌ها عمل را به دومی بدهیم، در این صورت امکان اضممار در «عسى» فراهم می‌شود.

\* من فوائد الفاء العاطفة الترتيب المعنوى أو الذكري و من فوائدها التعقيب و هو فى كلّ شىء بحسبه. ألا ترى أنه قال الله تعالى: «الْمَرْءُ تَرَأَنَّا اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً...» و قيل: الفاء فى هذه الآية للسببية و فاء السببية لا تستلزم التعقيب. ۱۳۶

۳. برای «ترتیب معنوی» و «ترتیب ذکرى» مثال بزنید. ب. مقصود از «و قيل ...» را توضیح دهید.
- ا. صحّ فَذَهَبَ - أخبرنى زيد فقال ... . ب. عبارت «و قيل ...» در مقام دفع اشكال از آیه است که چطور وقتی بین اخضرار ارض و انزال، اتصال زمانی نیست، با این حال فاء عاطفه که مفید تعقیب است به کار رفته است؟! این قول جواب می‌دهد که اصلاً فاء عاطفه نیست بلکه سببیه است و فاء سببیه مفید تعقیب نیست.

\* من أوجه «قط» أن تكون ظرف زمان لاستغراق ما مضى و هذه بفتح القاف و تشديد الطاء المضمومة تختص بالنفى و بنيت لتضمنها معنى «مُذ و إلى» إذ المعنى؛ مُذ أن خلق إلى الآن. ١٤٨

٤. أ. برای وجه مذکور مثال بزیند و ترجمه کنید. ب. دلیل بناء «قَطُّ» چیست؟ توضیح دهید.

أ. ما رأيت زیداً قَطُّ: زید را از وقتی که پا به این دنیا گذاشتم تا الان ندیدم.

ب. شباهت معنوی. توضیح: چون قَطُّ در این وجه متضمن معنای ابتداء (مذ) و انتهاء است که از معانی حرفیه اند.

\* «كل» فی نحو «...كُلَّمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا...» منصوبة على الظرفية و جاءت الظرفية من جهة «ما» فإنها محتمل لأن تكون حرفاً مصدرياً و الجملة بعده صلة له و لأن تكون اسماً نكرة بمعنى وقت. ١٦٢-٣

٥. أ. عامل نصب «كُلِّ» در آیه چیست؟ ب. ظرفیت «كُلِّ» را طبق هر دو احتمال توضیح دهید.

أ. قالوا ب. احتمال اول: «ما» حرف مصدری باشد و ما بعد صله که در این صورت بین «كُلِّ» و «ما»، اسم دال بر زمان (مثل مدة) وجود داشته و مضاف الیه «كل» بوده است و «كل» از آن کسب ظرفیت کرده و بعد آن مضاف الیه حذف شده است. احتمال دوم: «ما» نکره و به معنای وقت باشد و مضاف الیه واقعی «كل» می باشد و معنای زمانیت از خود «ما» به «كل» رسیده است.

\* من معانی اللام الجارة توكيد النفي و يسميها أكثرهم لام الجحود لملازمتها للجدد أى النفي. و وجه التوكيد عند البصريين أن الأصل: ما كان قاصداً للفعل و نفي القصد أبلغ من نفيه و على هذا فهي عندهم حرف جرّ معدّ متعلّق بخبر كان المحذوف و النصب بـ«أن» مضمرة وجوباً. ١٧٥-٦

٦. أ. ضابطه لفظی لام توكيد نفي را بنویسید. ب. به نظر بصريون، در مثالهای لام توكيد نفي، استفاده توكيد ناشی از چیست؟ در ضمن مثال توضیح دهید.

أ. ضابطه: لام بر فعلی داخل شود و قبل از فعل مقرون به لام، «ما كان» یا «لم يكن» ناقصه آمده باشد و مسند الیه آن فعل ناقص با مسند الیه فعلی که مدخول لام است یکی باشد.

ب. طبق نظر بصريها، خبر ما كان یا لم يكن مقدم، «قاصداً» و امثال آن (از جنس اراده) بوده که حذف شده و لام متعلّق به آن خبر محذوف است و چون نفي سابق به قصد فعل خورده و نفي قصد دلالت مؤكّدي بر انتفاء فعل دارد لذا توكيد نفي استفاده می شود.

\* إن قلت: «تَبَّاً لزيدٍ و ويحٌ» لم يجز لتخالف الدليل و المدلول عليه إذ اللام في الأوّل للتبيين و اللام المحذوفة لغيره. ١٨٢

٧. أ. چرا لام محذوف بعد از «ويحٌ» لام تبیین نیست؟ ب. چرا مثال مذکور غلط است؟

أ. چون لام تبیین بعد از تمامیت کلام (از نظر اسناد) واقع می شود و در فرض رفع (ويحٌ) کلام ناقص است و شرایط تبیین آماده نیست.

ب. چون بین دلیل و مدلول علیه باید سنخیت باشد و در این مثال، لام مذکور، لام تبیین است و لام محذوف لام تبیین نیست، بنابراین مذکور نمی تواند بر محذوف دلالت کند.

\* أصل «إن زیداً لقائمٌ»: «لأن زیداً قائمٌ» فکروا افتتاح الکلام بتوکیدین فأخروا اللام دون «إن» و إنما لم ندع أن الأصل: «إن زیداً قائمٌ» لاعتبارهم حکم صدرتینها فیما قبل «إن» دون ما بعدها و يدلّ علیه أن عمل «إن» يتخطأها تقول: «إن فی الدار لزيداً». ١٨٨

٨. مقصود از «لاعتبارهم...» و «يدلّ علیه...» را توضیح دهید.

«لاعتبارهم...» عربها حکم صدارت خواهی لام ابتداء را نسبت به ما قبل «إن» تنفیذ و اعمال کرده اند نه نسبت به مابعد و این کشف از جایگاه واقعی لام ابتداء می کند (لأن). «يدلّ علیه...» دلیل بر این است که لام ابتداء نسبت به مابعد «إن» اثر صدارت طلبانه ندارد، لذا إن بر مدخول لام ابتداء (زید) عمل کرده است و این کشف می کند از اینکه لام ابتداء خاصیت صدارت طلبانه خود را بعد از «إن» از دست می دهد. (به عبارتی جایگاه اصلی آن قبل از إن است)

\*یتخلص المضارع بـ«لا» النافية للاستقبال عند الأكثرين و خالفهم ابن مالک؛ لصحة قولک: «جاء زيد لا يتكلم» بالاتفاق مع الاتفاق على أن الجملة الحالية

لا تصدر بدليل استقبال. ۱۹۷

۹. مدعا و دليل ابن مالک را شرح دهید.

مدعا: وقتی «لا» نافية بر سر مضارع داخل می شود آن را مختص آینده نمی کند. دلیل: از طرفی همه قبول دارند که مثال: «جاء زيد لا يتكلم» بنا بر حالیت صحیح است و از طرفی باز همه قبول دارند که آورنده کلمه استقبالی در صدر جمله حالیه ممنوع است؛ بنا بر این این دو اجماع با این حرف نمی سازد که «لا» فعل مضارع را مختص آینده می کند.